



به انتخابات زیر اشغال فقط «نه» بگوییم

اینک اشغالگران غربی بار دیگر با بیش‌رمی خاصی هیاهوی انتخابات پارلمانی را در افغانستان به راه انداخته تا با این درامهٔ مضحک در برابر چشمان مردم پردهٔ ساتر بیاویزند و در پس پشت آن تجاوزگری، اشغال و جنایات خود را پنهان نمایند. یکی از شگردهای امپریالیست‌ها در کشورهای زیر اشغال این است که توده‌های مردم را با چنین نمایشاتی اغفال کنند تا عمر تجاوز و اشغال را درازتر نمایند. این بار نیز مانند انتخابات گذشته لابد وطن‌فروشان به پارلمان پوشالی راه خواهند یافت که هر کدام برای خدمتگذاری در زیر چکمه‌های تجاوز گل خواهند کاشت.

در انتخابات 89 نیز بخش اعظم کاندیدان را جنگسالاران، طالبان، خلقی‌ها، تکنوکرات‌ها و پرچمی‌های مزدوری تشکیل داده که افسارشان با مشت استخبارات غربی، ایرانی و پاکستانی گره خورده و مطمئناً که این بار نیز اینان به ولسی جرگه خواهند رفت. کثرت جناوران کاندید این بار چشمگیر بوده و نشان می‌دهد که شبکه‌های جاسوسی متجاوزان نسبت به گذشته فعالتر و پرمصرف‌تر شده و هر یک می‌کوشند عوامل خود را به پارلمان بفرستند. سودهای کلانی که «وکلائی» گذشته به قول لنین ازین «طویل» به جیب زده‌اند، با دیدن آن آدم‌هایی که از چتلی زورمداران هم بی‌ارزش‌ترند نیز خود را کاندید کرده و با هر خفتی از هر دری پول به دست می‌آوردند و برای کسب شهرت و عزیز شدن نزد بادران، می‌کوشند هر طوری شده وارد این «طویل» گردند. اینان به این خاطر پول‌های کلانی را به مصروف می‌رسانند و برای دستیابی به سودهای پارلمانی شب از روز نمی‌شناسند و به هر دنائی تن می‌دهند.

با تمام شعارهای میان‌خالی، تهدیدها و مصارف سرسام‌آور، اشغالگران تلاش دارند به این انتخابات شکل‌کی ببخشند، اما مردم افغانستان در هر گذر و کوچ بی‌هیچ اغماضی به طور علنی به نکوهش این بی‌آزرمی‌ها پرداخته با برحذر داشتن یکدیگر از شرکت در انتخابات می‌پرسند که «این پارلمان پیش خارجی‌ها چه ارزش و صلاحیتی دارد؟»، «بار گذشته اینان چه کردند که باز رأی بدهیم»، «اینان همان خونریزهایی‌اند که فرمان خودبخشی را امضا کردند»، «اکثر کاندیدان جاسوسان خارجی‌اند»، «کسانی که کامیاب می‌شوند از قبل تعیین شده‌اند»، «این پول‌های کمپاین را از کجا می‌کنند» و حتی بر تصویر برخی‌ها چتلی و یا رنگ می‌پاشند. تصاویر بیشتر کاندیدان که با اداهای فلمی بر بلبوردهای کلانی نصب شده، برای عابران و مخصوصاً پسران و دختران جوان به شوخی‌های مزه‌داری مبدل شده، آنان را پوشالی، بیش‌رم و غیرجدی می‌دانند که فقط ارزش مسخره شدن را دارند.

درین انتخابات مطمئناً گراف شرکت مردم بسیار پایین خواهد بود زیرا باز هم تصاویر اهریمنانی چون سیاف، قانونی، گلابزوی، محقق، قدریه، انوری، عرفانی، اکبری، راکتی، توفان، عزت، گذر و غیره را در برابر خود می‌بینند، به این خاطر اکثر مردم برین انتخابات تف خواهند ریخت. این مسئله تا حدی اشغالگران را به اضطراب انداخته و به بهانهٔ «خوب نبودن وضعیت امنیتی» در برگزاری آن شک دارند که یا آن را به تعویق خواهند انداخت و یا بعد از انتخابات تعداد شرکت‌کنندگان را به دروغ بالا نشان خواهند داد. فضل احمد معنوی یکی از جنگسالاران شورای نظاری و مزدوران مذهبی اشغالگران که ریاست کمیسیون برگزاری انتخابات به او «هدیه» شده، می‌گوید که «در صورتی وضعیت امنیتی بهبود نیابد ما به راه‌های قانونی توسل خواهیم جست» که اشارهٔ مستقیمی به تعویق انداختن این انتخابات است. اینکه این باشهٔ سرانگشت

چقدر صلاحیت به تعویق انداختن انتخابات را دارد، برای همه روشن است. وی فقط چیزی را نشخوار می کند که بادرانش به او چشمک بزنند.

«سازمان انقلابی افغانستان» به عنوان تشکل آهنگ و پیشاهنگ زحمتکشان کشور که در جریان کمپاین انتخابات ریاست جمهوری، در جزوه «با تحریم انتخابات، چپ منحرف را بی نقاب سازیم» تحلیل مارکسیستی از شرکت در انتخابات زیر اشغال به عمل آورد و به پیشگاه جنبش انقلابی کشور تقدیم نمود؛ اکنون نه تنها بر همان باور انقلابی استوار است که بار دیگر از انقلابیون و زحمتکشان کشور می خواهد تا درین انتخابات پوشالی شرکت نکنند، زیرا شرکت در چنین انتخاباتی خیانت و وطنفروشی آشکار بوده، برای دولت مزدور شکلکی بخشیده می شود و به ازدیاد عمر اشغال در کشور ما کمک می کند.

در میان تشکل های مدعی مارکسیزم در افغانستان با تمام اختلاف نظرهای اساسی که با حزب کمونیست (مائویست) افغانستان داریم و بخشی از آنها در جزوه «پیوند با انجوازم، گسست از مارکسیزم» آمده، ولی در مورد تحریم انتخابات پوشالی و زیر اشغال موضع اصولی داشته و حداقل تا حال درین مورد لغزشی نداشته است اما هستند سازمان های به ظاهر چپی که چپ و راست و به هر طریقی در مغالزه با اشغالگران وطن ما قرار می گیرند و در مورد انتخابات نیز در انحراف چند لایه غوطه ور اند. اینان در لویه جرگه ها شرکت نموده، در انتخابات پارلمانی گذشته فعالانه حضور داشته، در انتخابات اول ریاست جمهوری به نفع کاندید مشخصی اعلامیه داده و با اینکه در اثر چکش های پیهم «سازمان انقلابی افغانستان» و بی نقاب کردن انحراف های عریان آنها که یا باید انقلابی و یا ضد انقلابی بمانند، این بار با اینکه در انتخابات شوراهای ولایتی شرکت کردند و در چتلی ای به نام مشرانو جرگه حضور و با هوس عجیبی بوی این چتلی را استشمام می کنند، اما ظاهراً در انتخابات ریاست جمهوری بی آنکه کلیت انتخابات زیر اشغال را نفرین کنند، فقط در مخالفت با افراد معین به تحریم این افراد پرداختند که در حقیقت با سرافکندگی و خجلت بر کلیت انتخابات پوقانه ای ریاست جمهوری، مهر تایید گذاشته و تصویر یکی از کاندیدان شورای ولایتی پایتخت را دست به دست گشتانده و به اعضا و هواداران شان دستور می دادند که «گر رأی دادید» به این آدم بدهید. یکی ازین سازمان های منحرف درین انتخابات نیز به یکی از کاندیدان خود می گوید «ما کار نداریم که خود را کاندید میکنی یا خیر، ما برنامه و بودجه ای برای این کار نداریم» و با چنین موضعگیری «بیطرفانه»، خام، سست و ناپیگیر نام سازمان چپ، انقلابی و پیشاهنگ را بر خود می گذارد. به قول مائو محکم نگرفتن به معنی نه گرفتن است، در حالیکه تعهد به مارکسیزم، لنینیزم، اندیشه مائوتسه دون جز قاطعانه تأکید کردن بر شرکت نکردن در چنین انتخابات خایانه و پوشالی چیزی دیگری نیست که باید روشنفکران انقلابی و توده های زحمتکش کشور را از شرکت در آن جداً برحذر داشت و ضررهای خیانتبار آن را برای توده های مردم شناساند.

این برخورد کجدار و مریز که در زیر دل همگامی با انتخابات است، ناشی از مشی نا نوشته چنین تشکلاتی است. اینها در ظاهر طوری و در باطن طور دیگر می اندیشند، میان گفتار و عمل شان فرق فاحشی وجود دارد و به قول رفیق مائو در انبان هم این و هم آن را دارند که مطمئناً قادر نخواهند شد تا آخر عمر، شتر مرغ بمانند. چنین تشکلاتی خوب «ورد» می آورند، اما «سوراخ دعا» را یا گم می کنند و یا عمداً مغشوش می دارند تا اعضا ندانند که در عقب این تبر به درز نگرفتن چه امیال ضد انقلابی و سودآوری نهفته است. وقتی تشکلاتی به ظاهر انقلابی در کلی ترین مسایل در قبال اشغالگران کشور موضع انقلابی و مارکسیستی نداشته باشند، هرگز قادر نخواهند شد که در مسایل کوچکتر و مرتبط به آن موضع اصولی و روشن داشته باشند و به این صورت ظاهر و باطن شان در تضاد و تناقض قرار می گیرد. حرف های اول و آخر، کارهای

عمده و ناعمدۀ اینها عمدۀ نامرتب و سره از ناسره جدا شده نمی تواند. اینها بدون اینکه مشی مدون و نوشته شده ای داشته باشند، حتی برنامه و اساسنامه ای ترتیب بدهند، کنگره و انتخابی را مطرح سازند، تحلیلی از اوضاع ارائه کنند، کار روزانه و درازمدت شان مشخص باشد، از گذشته و مخصوصاً مغالزه با اشغالگران جمعبندی ارائه کنند، هر کاری که سود آنی پولی داشت به همان می چسبند و اعضا هم سربزیر، ناراضی و دلخور بی آنکه جرئت انتقاد را داشته باشند، نظاره گر این روزگار اند و خاموش و «بیطرفانه» این درامه را مشاهده می کنند.

از عمده ترین ابزارهایی که اشغالگران کشور ما می کوشند به وسیله آنها وجدان سازمان ها و تشکلات انقلابی را سیاه سازند، تشکیل انجوها، خوش و بُش با جوایس امپریالیستی، سرمایه اندوزی، رفت و آمد به سفارتخانه ها و مورد حمایت قرار گرفتن آنها و تبدیل تشکل انقلابی به کمپنی سودآور و در ظاهر انجام حرکات انقلابی و واکنشی است که راه را برای ورود هر فکر ضد انقلابی در آنها باز می کند. رهبران این تشکلات با چنین دو رویی هیچگاه قادر نخواهند شد جلو انحراف و در نهایت خیانت را ازین سازمان ها بگیرند. این سازمان ها وقتی در برابر انتقادات تشکلات انقلابی قرار می گیرند، واکنش موقتی نشان داده و مثلاً شعار ضد اشغال را سر می دهند، اما چون انحراف در مشی و اندیشه آنها وجود دارد و فاشیزم فردی بر تشکلات شان سایه سنگین و سیاهی افکنده، لذا حاضرند برای به دست آوردن چند دالر و رسمی ساختن انجو و به دست گرفتن دل سردمداران اشغال حتی از روبروسی با اوباما نیز شرم نمی کنند تا نشان و اوارد به خاطر جانکنی جهت پیاده نمودن برنامه های تشکلاتی چون یو اس ای آی دی را به دست آورند و مورد قدردانی و تفقد کاخ سفیدی ها قرار بگیرند. اینجاست که دیگر شرکت و یا عدم شرکت اینان در انتخابات جدیت خود را از دست می دهد. صف اصلی انقلابی و غیرانقلابی در میان سازمانهای چپ و مدعی چپ مشخص می گردد، ادعای وطنپرستی و ضد وطنپرستی آنها روشن شده، شعارهای ضد اشغال چنین تشکلاتی بی مایه و بی ارزش می گردد چون اصل مسئله به جایی بر می گردد که باید یا بند ناف را از جایی بُرید که خون اشغال را در بدن این تشکلات جاری می سازد و یا اگر این پیوند نافی همچنان باقی می ماند، پس نباید شعارهای مسخره ای «ضد اشغال» اینان جدی انگاشته شود زیرا سیاست را نمی توان چون کاسه و کوزه های سالم و شکسته ای تعبیر کرد که در جایی ازین و در جایی از آن استفاده شود.

برای یک سازمان انقلابی در شرایط کنونی همین قدر کافیست که حداقل با یک انجو در کنار دونه‌ها بلمد. بعضی از سران این سازمان ها زمانی می نوشتند «هیچ انجویی در افغانستان وجود ندارد که دُم آن زیر پای شبکه های استخباراتی قرار نداشته باشد» و یکی دیگر از همین قماش در برنامه تاریخی یکی از رادیوها گفت که «هیچ دونه‌ری برای رضای خدا به کسی پول نمی دهد، ابتدا امضایش را می گیرد و بعد برایش پول حواله می کند». وقتی چنین می گویند و بعد خود شان همان کار را می کنند که اگر با هزار زبان بخواهند به تبرئه و توجیه خود پردازند، مطمئناً کسی از جمله افراد صفوف خود شان هم به چنان توجیهاتی باور نخواهند کرد و لابد باید نارضایتی میان صفوف آنها هر روز وسیعتر گردد و برخی اعتراف کنند که با رفتن ازین تشکیلات قادر به امرار معاش نیستند و در سایه این ضرب المثل جاودانی «مسجد گرم و گدا آسوده» بر تمام باورهای خود خط بطلان می کشند و درین مسجد گرم می خوابند.

تشکلاتی به ظاهر انقلابی که مشی مشخص و برنامه روشن شان را انجوایزم تشکیل می دهد، اعضای آنها با بی برنامه‌گی و سرگردانی در میان دو کرسی نشسته، اکثر آنان تا آخر قادر به ادامه این وضعیت نیستند. به این خاطر گاه مثل کمپنی های رو به ورشکست آنها را اضطراب فرا می گیرد و چون «بتری های کهنه» بعد از نشست ها و جلسات کسل کننده و غیر عملی یکی دو پلیت چارج می گیرند و وعده وعیدهای سرخرمنی که به زودی «این کوه را به آن کوه خواهند زد» به پفی مبدل

می گردند. چون کار این تشکلات از اساس خراب است، در مغایرت با اصول مارکسیزم قرار دارند، خون کهنه در لاشه های شان جریان دارد و فاشیزم فردی این خون را به گردش نگه میدارد، لذا بعد از چند روز یکی دو پلیت چارج از دست رفته و هرکس پی کار خود می رود. واقعاً اگر پای این همه پول و عاید و مشکلات اقتصادی عده ای مطرح نمی بود، آیا چنین کمپنی هایی در ظرف چند روز تا عمق، شغالی نمی شد؟

موضعگیری در قبال انتخابات کنونی بار دیگر سازمان های انقلابی را به آزمون می طلبد که آیا در برابر آن قاطعانه می ایستند و یا پای شان باز هم می لنگد. سازمانهایی که در گذشته به خفت ضد مارکسیستی شرکت در انتخابات تن داده و حال به نحوی خود را ظاهراً نادم نشان می دهند، به هیچ وجه کافی نیست، آنها باید تمام تارهای ارتباط خود را با اشغالگران قطع کنند، مدال ها و اواردهای پست و پلشت امپریالیستی را آتش بزنند، بر انجوسازی تف بریزند و با انتقاد آتشین از این خفت ها، مخصوصاً شرکت در گله و طنفروشان پارلمانی، ریشه انحراف های گذشته را بخشکانند تا موضعگیری های مغشوش اخیر شان مقداری شفاف گردد، در غیر آن این چرخش مزورانه، افزون بر انحراف های گذشته خواهد شد و بالاخره در گودال خیانت کله پا خواهند گشت.

«سازمان انقلابی افغانستان» بار دیگر با این اعلامیه، از خلقهای زحمتکش کشور قاطعانه می خواهد که درین انتخابات شرکت نکنند و با رأی خود به عمر اشغال و امپریالیزم در کشور شان نیافزایند تا باشد این نه گفتن سرآغازی برای نبردهای بعدی زحمتکشان افغانستان جهت نابودی متجاوزان و مزدوران جنگسالار، تکنوکرات، طالب، خلقی و پرچمی در سرزمین بلاکشیده شان گردد و به زودی بیرق ظفرنمون آزادی و برابری بر قله های هندوکش و بابا به اهتزاز ابدی درآید.

مرگ بر امپریالیزم در راه سوسیالیزم، به پیش

سازمان انقلابی افغانستان

22 سنبله 1389